سید علی محمد ۲۰۲۲/۰۸/۰۳

پوهنتون جواهر لعل نهرو

تاریخچه رمان نویسی در افغانستان و نامورترین رمان نویسان افغانستان

چکیده: رمان نویسی معاصرِ افغانستان با آغاز روزنامهٔ "سراج الاخبار افغانیه" می شود که در دوران حاکمیت امیر حبیب الله خان نشر گردید، این نشریه در دو مرحله ، یک شماره به مدیریت مولوی عبد الرؤوف قندهاری در سال ۱۹۰۶م منتشر شد، که بعد از یک شماره توقیف گردید و مرحلهٔ دوم آن با مدیریت محمود طرزی به مدت هشت سال (۱۹۱۱ ۱۹۱۹م) ادامه یافت.
رمان در ادبیات دری عمر درازی ندارد و صد سال بیشتر از تولد آن نمی گذرد، در قصه های قدیمی چهار درویش (۱۱۶۳ه ق) و سمک عیار در تاریخ ادبیات وجود دارد که این اساطیری بود، اما رمان نویسی امروز رویدادها را از زندگی واقعی بر می گیرند با عنصر خیال خویش می آمیزد و دوباره باز سازی می کند.
جهاد اکبر: نویسنده محمد حسین معروف به پنجابی در سال ۱۹۲۰ میلادی در ماهنامهٔ " معرف معارف" چاپ شده است. نویسنده، این اثر خویش را نخستین رمان افغانستان می نامد که به شیوه جدید نگاشته است، که این رمان موضوع تاریخی دارد ، برمحور نبرد افغانها با قوای انگلیس می چرخد و رنگهای از عناصر داستان نویسی جدید را در خود دارد. در اصل " جهاد اکبر" سرگذشت دو برادر به نامهای اسلم و اکرم است که با انگلیس ها در گیر اند.
رمان میانه «**تصویر عبرت**» یا«**بی بی خوری جان**» نوشتهٔ عبدالقادر در حوزه ادبیات داستانی را با ساختار رویایی کلاسیک در سال ۱۹۲۰ میلادی در مدراس (هند) چاپ رساند. زنجیرهٔ رخدادهای زندگی بی بی خوری جان، بانویی از لایه های بالایی جامعه است که اشاره هایی طنز آمیز به نابسامانی های اجتماعی و زندگی اشرافیت را همراه دارد.
«ندای طلبهٔ معارف» نوشتهٔ محی الدین انیس در سال ۱۹۲۳ میلادی، دو سال پس از ورودش به افغانستان در شهر هرات به چاف رسیده است، محی الدین انیس، روزنامه نگار معروف در مصر در خانوادهٔ افغانی زاده شد، در سال ۱۹۲۱م به وطن آمد و سه سال در هرات زیست.
بزرگترین رمان نویسان افغانستان
محمد حسین پنجابی نوشته جهاد اکبر،عبدالقادر افندیی نوشته تصویر عبرت یا بی بی خوری جان، نیز از پیشگامان رمان نویسان افغانستان می باشند، علاوه ازین برجسته ترین رمان نویسان افغانستان اکرم عثمان نوشته کوچه ما،قادر مرادی نوشته برگها نفس می کشند، عتیق رحیمی نوشته خاکستر و خاک، خالد حسینی نوشته هزار خورشید تابان، علی محمد افغانی نوشته شوهر آهو خانم، اعظم رهنورد زریاب نوشته گلنار و آیینه نیز می باشند، که در واقع درجمع نویسندگان برجسته یی رمان نویسی افغان نامیده شده اند بخصوص اکرم عثمان درین بخش در زبان دری در افغانستان بوده است که رمان های وی در سده چهاردهم خورشیدی در نشرات افغانستان به چاپ رسیده است که یکی نمونه آن بنام (کوچه ما) بوده است که آثارش از هر حیث بر دیگران رجحان دارد، او بیشتر در امور حالات اجتماعی و کلتوری به زبان عامیانه مردم صحبت کرده است و اعظم رهنورد زریاب هم در رمان های خود امور اجتماعی مردم افغانستان بیان کرده است.
واژه های کلیدی: رمان نویسی ، شیوه رمان نویسی، دکتر اکرم عثمان ، رهنورد زریاب. روندهای جدید.

تاریخچه رمان نویسی

رمان نویسی معاصرِ افغانستان با آغاز روزنامهٔ "سراج الاخبار افغانیه" می شود که در دوران حاکمیت امیر حبیب الله خان نشر گردید، این نشریه در دو مرحله ، یک شماره به مدیریت مولوی عبد الرؤوف قندهاری در سال ۱۹۰۶م منتشر شد، که بعد از یک شماره توقیف گردید و مرحلهٔ دوم آن با مدیریت محمود طرزی به مدت هشت سال (۱۹۱۱ ۱۹۱۹م) ادامه یافت.
"سراج الاخبار افغانیه" جریدهٔ ملی (آزاد) و غیر دولتی بود که بیشترین نقش مبارزهٔ بسیج کنندهٔ اذهان و تنویر کننده را علیه استبداد داخلی و استعمار انگلیس بر عهده گرفته و پیروز مندانه انجام داده است.
محمود طرزی در شمارهٔ ششم سال یکم جریدهٔ خود نوشته است که: ((در ماه رمضان ۱۳۲۹ش استدعانامهٔ طلب امتیاز نشر نمود یک جریدهٔ غیر رسمی ملی وطنی از طرف شرکت اداره به عتبهٔ اعلیحضرت پادشاه معارف پرور معظم عرض و تقدیم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

گردید. امتیاز آن به این عبد احقر با خاک برابر(محمود طرزی) عطا فرموده شد. در ۱۵ شوال سنهٔ مذکور شمارهٔ اول آن در زیر مدیر این عبد عاجز و نگرانی جناب علی احمد ایشک آقاسی حضور اعلیحضرت همایونی در معارض انتشار بر آمد))[1]
جریدهٔ مذکور همدم الهام بخش اکثر آذادی خواهان آسیای میانه و دیگر کشورهای همسایه گردید. سراج الاخبار افغانیه، سرچشمهٔ فیاض بسا اندیشه ها و پویه های نو در عرصه های گوناگون فرهنگی گردید و در نو گرایی ها و نو جوی های ادبی نیمهٔ نخستین سدهٔ بیستم در افغانستان سهم بزرگی داشت.
پس از استقلال افغانستان و کشته شدن حبیب الله خان (در سال ۱۹۱۹) و روی کار آمدن امان الله خان به حیث اولین پادشاه مستقل، تغییرات مهمی در جامعه افغانستان صورت گرفت، زندانیان سیاسی آزاد شدند، حکومت افغانستان و شخص شاه در برابر انگلیس ها ایستاد و دور تازه ای از استقلال سیاسی کشور افغانستان آغاز گردید. در دوره امان الله خان آثار زیادی از ادبیات غرب به ویژه آثاری از نویسندگان رمانتسیسم فرانسه به دری ترجمه شد که رمان نویسی نیز درافغانستان به شیوه نوین از سال ۱۹۲۰ ظاهر گردید.

محمود طرزی

محمود طرزی در ۲۳ اگست ۱۸۶۵ میلادی در شهر عزنی متولد شد. نخستین معلم محمود طرزی پدر وی غلام محمد طرزی (متولد ۱۸۳۰م) از شعرای نامدار زمان و خوش نویس و نقاش توانا بود. نخستین سالهای زندگی محمود طرزی در پیکار با رویدادهای تلخ سپری شد، در دورهٔ دوم امارات امیر شیر علی (۱۸۲۹ تا ۱۸۷۹م) که طرزی ۱۴ ساله بود پدرش به زندان افتاد و پس از آن که در همان سال رها گردید یازده سال را در زاویهٔ عزلت تحت نظارت دولت سپری کرد. سالهای سقوط امیر شیر علی (۱۸۷۹م) محمود مبادی زبان عرب را فرا گرفت و مثنوی مولوی را با شرح تمام کرد. خود طرزی آموخته های خود را در آن روزگار، در سالهای نگارندگی سراج الاخبار، این چنین خلاصه می کند: ((در آن زمان به درجه سواد و ادب آموخته بودم که کلیات پدر را می خوانم)) [2]
طرزی از ۱۷ تا ۲۰ سالگی در کراچی مقیم شد، با چگونگی استعمار برتانوی بهتر آشنا شد و با اشتراک در مجالس پدرش با شخصیت های آذادی خواه ا آگاهی یافت و داآن مدت کوتاه در هند زبان اردو را نیز فرا گرفت. به قدرت رسیدن امان الله خان در سال ۱۹۱۹ میلادی در ۲۸ سالگی، فصل تازه یی در زندگی محمود طرزی و تمام وطن پرستان (اخوان افغان) شمرده می شود. طرزی مردی اندیشمند و آشنا با وضع جهان، آذادی دوست و دلبستهٔ تحول و ترقی در کشور بود و چشم تاریخ فرهنگی افغانستان چون او روزنامه نگار مبتکر و پرکار کم دیده است.
طرزی کسی بود که آثار ژول ورن را به دری برگرداند، مانند شاعران فرانسوی درشروع قرن بیستم قالب کلاسیک شعر را به چالش کشید و از اصطلاحات تکنیکی، اجتماعی و زندگی روزمره در شعر و نوشته های خود استفاده کرد، همچنین در سراج الاخبار دست آوردهای مدرن دوره عبدالرحمن را می ستود و در نشریه اش از عبدالرحمن به عنوان معمار تاریخ مدرن افغانستان یاد می کرد و به مفاهیمی چون ملیت و بیداری ملت افغان می پرداخت. از سال ۱۹۱۹ با به روی کار آمدن شاه امان الله خان (معاصر با رضاشاه در ایران و مصطفی کمال آتاترک، در ترکیه)، مدرنسازی کشور از سطح دولت به همه سطوح اجتماعی گسترش یافت.
محمود طرزی بیشتر توجه خوانندگان سراج الاخبار را از شعر به نثر نیز معطوف ساخته بود، او نثر (مانند افسانه و حکایت) را لازمه زمان می دانست و مقاله‌هایی درباره روایت، اصول اولیه روایت داستانی و اهمیت زبان در روایت داستانی نوشته بود. او همچنین بر وارد ساختن انواع ادبی چون رمان و داستان از ادبیات اروپا به افغانستان تاکید زیادی داشت.

نخستین رمان در تاریخ معاصرافغانستان:

جهاد اکبر: نویسنده محمد حسین معروف به پنجابی در سال ۱۹۲۰ میلادی در ماهنامهٔ " معرف معارف" چاپ شده است. نویسنده، این اثر خویش را نخستین رمان افغانستان می نامد که به شیوه جدید نگاشته است، که این رمان موضوع تاریخی دارد ، برمحور نبرد افغانها با قوای انگلیس می چرخد و رنگهای از عناصر داستان نویسی جدید را در خود دارد. در اصل " جهاد اکبر" سرگذشت دو برادر به نامهای اسلم و اکرم است که با انگلیس ها در گیر اند.[3]

محمد حسین پنجابی

محمد حسین در سال ۱۸۸۳ م در خانواده یی افغانستان در پنجاب متولد شد، در دانشگاه علی گر سند علمی لسانس در علوم بسری بدست آورد. در سال ۱۹۰۸ میلادی برای تدریس در لیسهٔ حبیبیه به افغانستان نمتخب شد، چون لیسهٔ یاد شده مرکز فعالیت های مشروطه خواهان اخوان افغان گردیده بود، همکاری با (اخوان افغان) سبب شد که دو سال پس زندانی سود. در سال ۱۹۱۹ میلادی که امان الله خان به قدرت رسید در شمار دیگر مشروطه خواهان اعضای انجمن اخوان افغان رها گردید و به مدیریت مکاتب ابتدائیه سپس ریاست تدریسات عمومی وزارت معارف به کار گماسته شد. در سال ۱۹۱۹ میلادی که مدیریت مجلهٔ معرف معارف را نیز عهده دار بود، انتشار داستان جهاد اکبر را در مجله اعاز کرد که تا چند شماره ادامه یافت.

رمان میانه «تصویر عبرت» یا«بی بی خوری جان»

---

[1] سراج الاخبار افغانیه، سال ۱، شماره ۶

[2] سراج الاخبار، شمارهٔ ۵، سال ۲

[3] جهاد اکبر، نقل از معرف معارف، یاد داشت های نگارنده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

رمان میانه «**تصویر عبرت**» یا«**بی بی خوری جان**» نوشتهٔ عبدالقادر در حوزه ادبیات داستانی را با ساختار رویایی کلاسیک در سال ۱۹۲۰ میلادی در مدراس (هند) چاپ رساند. زنجیرهٔ رخدادهای زندگی بی بی خوری جان، بانویی از لایه های بالایی جامعه است که اشاره هایی طنز آمیز به نابسامانی های اجتماعی و زندگی اشرافیت را همراه دارد.
عبدالقادر افندی پسر سردار محمد ایوب خان است که کتاب "تصویر عبرت یا بی بی خوری جان" را نوشت و در سال (۱۹۲۰م) در مدراس به چاپ رسید، این داستان که کاملا از قصه های کهن جدایی اختیار نکرده است اما این است که فراوانی به رمان های امروزین دارد که زندگی خانوادهٔ اعیانی وابسته به دربار را با زیبایی تمام باز آفرینی می کند و با بهره گیری از گویش باشندگان کابل و مصطلحات طبقهٔ اشراف جامعه، بر داستانش چاشنی دل انگیزی می بخشد.

ندای طلبهٔ معارف

«**ندای طلبهٔ معارف**» نوشتهٔ محی الدین انیس در سال ۱۹۲۳ میلادی، دو سال پس از ورودش به افغانستان در شهر هرات به چاف رسیده است، محی الدین انیس، روزنامه نگار معروف در مصر در خانوادهٔ افغانی زاده شد، در سال ۱۹۲۱م به وطن آمد و سه سال در هرات زیست.
در آن مدت در مدرسهٔ سعدیه زبان و ادبیات عربی تدریس می کرد، سپس کابل را مسکن گزید و در سال ۱۹۲۸م روزنامه غیر دولتی انیس را انتشار کرد. در ندای طلبهٔ معارف چنان که از گزارش امان افغان بر می آید، مسأله های تربیتی به صورت قصه بیان سده است.[4]
جریدهٔ انیس، جریدهٔ غیر دولتی، که در سال ۱۹۲۸م توسط محی الدین انیس به نشرات آغاز کرد، نیز با نشر مقاله هایی مشوق داستان نویسی شد. در سال دوم انتشارات جریده از نویسندگان خواسته شد که در موضوع رشوت برای قریحه آزمایی رمان به نویسند و این شرط ها را رعایت منند:

- قصه باید در قالب رمان ریخته گی باشد.
- قصه باید تمام نزاکت های فن تحریر باشد.
- حوادث رمان در داخل وطن اختیار شود و همچنین افراد آن وطنی باشد.
- مشروط است که در قصهٔ مزکور یکی از اصرار و یا طریقه های عجیب رشوت آشکار شود.
- دارای موضوع یکی از صفات خوب مسابقه خواهد بود.

سالی بعد که با شورش حبیب الله دولت آمانی واژگون ساخته شد و برافتادن حبیب الله به دست محمد نادر خان و پیامدهای آن خامه ها را سترون ساخته، رمان نویسی که تمرکز فکری دراز مدت می خواهد به فراموشی سپرده شد و داستان کوتاه نویسی هم درآن گیرودار مرگ و زندگی که استقرار پایه های قدرت مسألهٔ روز مود، از نظر افتاد.
"شام تاریک و صبح روشن" در سال ۱۹۳۸میلادی نوشته محمد ابراهیم عالم شاهی در روزنامه اصلاح به شکل پاورقی چاپ شد. علاقه از این به دنبال آن تنی چند دست به نوشتن رمان و داستان بلند می زنند و این جنبش تا سال های سی ادامه دارد.
از سال ۱۹۴۱میلادی به بعد کم کم رنگ واقع گرایی در داستان های نویسندگان مانند عبد الغفور برشنا غلبه پیدا کرد، برشنا تحصیل کرده آلمان بود، بیشتر در نقاشی شهرت کسب کرده بود و به قصه های فولکلوریک علاقه نشان می داد. پس از وی نام عزیز الدین فتح علی به چشم می خورد که دو رمان به نامهای (طلوع سحر) و (در پای نسترن) نوشت و در آنها به مسایل اجتماعی روی آورد.
ببرک ارغند در این دهه رمان سه جلدی "راه سرخ" (۱۹۸۴م)"حق خدا حق همسایه" (۱۹۸۶م) و "شوراب" (۱۹۸۶م) را می نویسد و فحری رمان " تلاش" (۱۹۸۸م) را که صرف نظر از درونمایهٔ آن تلاش جدید است، در رمان نویسی افغانستان و به باور برخی از صاحب نظران، آغاز دیگری در شیوه رمان نویسی است، اسدالله حبیب "داسها و دستها" (۱۹۸۳م) می نویسد و قدیر حبیب داستان بلند "کاوهٔ کوچک" که همه این داستان ها آرمان گرایانه هستند، تبلیغاتی و جانبدرانه اند اما در قرن بیستم میلادی داکتر ببرک ارغند و حسین فخری به واقعگرایی سوسیالستی پشت می کنند و دست به نگارش آثاری می زنند که از نگاه درونمایه و پرداخت شیوهٔ تازه یی را گواهی می دهند.
دهه نهم، قرن بیستم میلادی دهه آشوب و فتنه و جنگ و ویرانی محسوب می شود، بدین سبب نویسندگان به جای نوشتن ستایش نامه به دولت های خودکامه، نه دنباله باز آفرینیی سال های جنگ و اشغال اند و با نگاه شتابزده یی هم بر این کتابها در می یابیم که جز داستان عاشقانهٔ "فریاد خاموش" درونمایهٔ کلیهٔ داستان ها، حول محور رویدادهای خونین اشغال و جنگهای داخلی می چرخد.
رمان های که در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی دیده می شود که نویسندگان از سالهای بد و باد گفتنی های فراوان دارند که باید باز آفرینی شود، حتی اعظم رهنورد زریاب درمیان "گلنار و آیینه" (۲۰۰۳ م) که داستانی در مایه های ریالسم جادویی است با رگه های سور ریالستی، نتوانسته است از پرداختن به رویدادهای این سالها پرهیز کند. پس از در دهه اول، قرن بیست و یکم میلادی آثار شایسته و پذیرفتنی در بیرون کشور افغانستان پدید آمده اند که تا الآن دیده می شود.
بزرگترین رمان نویسان افغانستان:
محمد حسین پنجابی نوشته جهاد اکبر،عبدالقادر افندیی نوشته تصویر عبرت یا بی بی خوری جان، نیز از پیشگامان رمان نویسان افغانستان می باشند، علاوه ازین برجسته ترین رمان نویسان افغانستان اکرم عثمان نوشته کوچه ما،قادر مرادی نوشته برگها نفس می کشند، عتیق رحیمی نوشته خاکستر و خاک، خالد حسینی نوشته هزار خورشید تابان، علی محمد افغانی نوشته شوهر آهو خانم، اعظم رهنورد زریاب نوشته گلنار و آیینه نیز می باشند، که در واقع درجمع نویسندگان برجسته یی رمان

[4] صفحه ۱۲۷، ادبیات دری در سدهٔ بیستم، دکتر اسد الله حبیب، کابل ۱۳۲۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نویسی افغان نامیده شده اند بخصوص اکرم عثمان درین بخش در زبان دری در افغانستان بوده است که رمان های وی در سده چهاردهم خورشیدی در نشرات افغانستان به چاپ رسیده است که یکی نمونه آن بنام (کوچه ما) بوده است که آثارش از هر حیث بر دیگران رجحان دارد، او بیشتر در امور حالات اجتماعی و کلتوری به زبان عامیانه مردم صحبت کرده است و اعظم رهنورد زریاب هم در رمان های خود امور اجتماعی مردم افغانستان بیان کرده است.

رمان و انواع آن:

داستان یا ناول Novel اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال Fiction[5] باشد، اگر طولانی باشد به آن رُمان واگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه Short Story می گویند، ناول اصطلاح انگلیسی است ومعادل آن دراکثرزبان های اروپایی رمان Roman است، اصل واژهٔ انگلیسی ناول، واژهٔ ایتالیایی Novella است به معنی مطلب کوچک تازه، Novella که در قرن چهاردهم درایتالیا مرسوم بود،نوعی قصّه کوتاه منثوراست که معروف ترین نمونه آن *قصّه های دکامرون* Decameron اثر بوکاچیوBoccaccio است [6].

سرانجام در نیمه دوم قرن نوزدهم، ناول ازهمه انواع ادبی پیش افتاد و بِالکُل جای حماسه و رمانس را گرفت و روز به روز با استفاده از تکنیک های سمبولیست ها و اکسپرسیونیست ها و حتی سینما به افق های تازه تری دست یافت. توالی و تداوم رمانی Sequence -Time را برهم زد و اشکال و مضامین و موضوعات متنوع و حتی عجیب و غریبی را از دنیای اساطیر و رویاها و خیال و توهم به وام گرفت و به شیوه های بکر و جالب چون شیوه تداعی معانی آزاد یا جریان سیال ذهن Consciousness of Stream دست یافت. در این شیوه که بعدا از آن سخن خواهیم گفت، روایت اعمال و حوادث ذهنی است و همه چیز از ورای لایه های ذهن و از اعماق باطن و دنیای درون توصیف و تشریح می شود.

رمان زبان گویای عصر مدرنیته است و به موازات مفهوم آزادی روز به روز رشد بیشتر کرده است. انواع قبلی همه سنتی هستند به این معنی که باید قوانینی را رعایت می کردند، اما رمان چنین قیودی ندادرد و با آزادی که از مهم ترین مشخصات عصر جدید است هماهنگ است. حتی قصه و حکایت هم از آنجا که باید منجر به نتایج اخلاقی می شدند مقید بودند. مروز نوع ادبی تراژدی، کمدی، حماسه همه تبدیل به داستان شده اند. یا موضوعات تراژیک و کمیک و حماسی به صورت داستان نوشته می شوند.مثلا داش آکل را هرچند تراژیک است اما نمی توان تراژدی خواند. در آن قهرمان (داش آکل) و ضد قهرمان (کاکا رستم) است، حال آن که رستم و اسفندیار هردو قهرمانند.

رمان نویسی به شیوهَ نوین در ادبیات فارسی عموما تحت تأثیر ادبیات مغرب زمین پیدا شده است، نویسندگان در رمان ها به گونهَ خاصی مسایل اجتماعی، سیاسی و علمی روزگار خود را به شیوه ای نوین مطرح کرده اند و از لحاظ شکل و مضمون پدیده های نوینی در ادبیات فارسی به شمار می آید.

انوع رمان از نظر ساحت:

رمان را به لحاظ ساختمان و مای های سبکی به چهار نوع، تقسیم کرده اند.س

۱- رمان حوادث Novel of Incident

رمانی است که در آن تکیه اصلی بر حوادثی است که در طی رمان مدام اتفاق می افتد، و رمان فی الواقع چیزی نیست جز مجموع یی از حوادث و ماجراهای پی در پی مختلف. مثل رمان روبنسون کروزئه اثر دانیل دفئوکه مجموعه یی از حوادث گوناگونی است که برای قهرمان داستان اتفاق می افتد. رمان حوادث، حد فاصل رمان با رمانس است، زیرا در رمانس هم مثلا امیر ارسلان رومی، خواننده با حوادث متعدد (منتهی محیر العقول) سرگرم است.

۲- رمان شخصیت Novel of Character

رمان های جدید بر خلاف رمان های قدیم که معمولا مان حوادث بوده اند، رمان شخصیت هستند. در رمان حوادث، تکیه بر اعمالی است که قهرمان داستان انجام می دهد، اما در رمان شخصیت، تکیه بر انگیزه انجام اعمال است. بدین ترتیب در رمان های حوادث مثلا ***سمک عیار*** و غالب داستان واره های قدیم ایرانی می توان پرسید: بعد چه شد؟ And Then اما در رمان شخصیت باید پرسید: چرا چنین شد؟ ?Why. مثلا در ***بوف کور*** توالی حوادث آن قدر اهمیت ندارد که انگیزه اعمال و این چرایی هاست که در آن بحث انگیز است. از این رو رمان حوادث را می توان ادامه همان قصه بلند دانست و اصطلاح داستان را به رمان شخصیت اختصاص داد و پیداست که این دومی ارزس ادبی دارد.

۳- رمان نامه یی Epistolary Novel

که درآن ساخت رمان بر مبنای نامه هایی است که بین دو قهرمان اثر رد و بدل می شود. یا خواننده از طریق نامه های که در رمان آمده است وارد فضای داستان می شود مثل***نامه های یک زن نا شناس*** اثر استفان تسوایک یا ***نامه های ورتر*** (رنج های ورتر جوان) اثر گوته.

در رمان واره های منظوم ادبیات فارسی هم گاهی از نامه نگاری بین عاشق و معشوق استفاده شده است، مثل ***ورقه و گلشاه عیوقی*** و ***عشاق نامه*** عراقی.

۴- رمان اندیشه Novel of Ideas

رمانی است که مبنای آن بر ایده ها و مشرب های از پیش معلوم قالبی است مثل رمان های نویسندگان حزب کمونیست شوروی سابق. برخی از آثار جورج اُرول (مثلا مزرعهٔ حیونات) و هاکسلی هم از این دست است.

---

[5] در اصل به روایتی که بیشتر جعلی و افسانه یی باشد تا حقیقی و تاریخی و مستند فیکشن Fiction گویند.

[6] انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، نشر میترا، صفحه ۱۶۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

انواع رمان بر حسب موضوع:
رمان ها را بر حسب تکیه یی که بر مطالب کرده اند و از نظر فرقی که در موضوع و مقاصد هنری دارند، به نحو زیر تقسیم می کنند[7]:
۱- ناول شکل پذیری Novel of Formation یا ناول تربیتی Novel of Education
موضوع این گونه رمان ها توسعه و تکامل ذهن و شخصیت قهرمان است. قهرمان تجربات مختلفی را پشت سر می گذارد و معمولا بعد از سپری کردن یک بحران روحی، به ماهیت و نقش و وظیفه خود در جهان پی می برد.برخی از آثار توماس مان و سامرست موام (ماه و ششپنی) از این داسته اند.
یکی از انواع ِین گونه رمان، ناول زندگی هنرمند Artist-Novel است که در آن تحوّل و تکامل خود داستان نویس یا هنرمندی مطرح است. در این گونه داستان، هنرمندی طیّ حوادثی به موقعیت و سرنوشت هنری خود وقوف می یابد. مثال این نوع، رمان معروف مارسل پروست موسوم به ***در جست و جوی زمان های گمشده*** و ***چهره هنرمند در جوانی*** اثر جیمز جویس است[8].
۲- رمان اجتماعی Sociological Novel
که در آن تکیه بر تأثیر اجتماعی و مقتضیات اجتماعی بر روی شخصیت قهرمانان و حوادث داستان است و گاهی نیز در آن تزهای برای اصلاحات اجتماعی عرضه می شود، مثل ***خوشه های خشم*** جان اشتین بک داستان پرداز آمریکایی.
۳- رمان تاریخی Historical Novel
در این نوع رمان، زمینهٔ آثر و شخصیت ها و حوادث از تاریخ أخذ شده اند، مثل رمان ***ایوانف*** اثر والتراسکات یا ***قصهٔ دو شهر*** آثر چارلز دیکنز یا ***آشیانه عقاب*** نوشتهٔ زین العابدین مؤتمن. جورج لوکاچ منتقد بزرگ ادبی در سال ۱۹۶۲ کتابی در بررسی این نوع رمان به نام رمان تاریخی The Historical Novel نگاشت.
۴- رمان محلّی Regional Novel
که تکیهٔ آن بر آیین و رسوم و لهجهٔ شهرها و ولایات است نه به این قصه که صبغهٔ محلی Local Color پیدا کند بلکه به این جهت که تأثیر آوضاع و احوال عوامل محلی را بر کردار و رفتار شخصیت های داستان نشان دهد و نحوه تفکر و احساسات قهرمانان داستان را با توجه به زمینه ها و مای های محلی تعیین نماید. مثال این گونه رمان، ***ایالت یوکنا پاتافا*** اثر فاکنر و برخی از آثار رسول پرویزی و صادق چوبک (مثلا تنگسیر) است.
۵- رمان روانی Psychological Novel
که در آن از مسا ئل ذهنی و روانی قهرمان یا قهرمانان داستانی سخن می رود. این نوع رمان امروزه با پیشرفت دانش روانشناسی و روانکاوی، رواج بسیار یافته است. نمونهٔ آن برخی از آثار جویس و ولف و صادق هدایت مثلا **بوف کور** است.

انواع رمان از نظر پلات:
هستهٔ داستان Plot رمان هم انواع مختلفی دارد: تراژدی، کمدی، طنز، و عاشقانه Romantic.
باید توجه داشت که درمیان محصض یعنی رمان به معنی واقعیش و به اصلاح Novel Proper، شخصیت های پیچیده و مشکلی از طبقات مختلفی اجتماع مطرحند که برای اعمالی که در داستان انجام می دهند انگیزه های متفاوتی دارند. این قهرمانان در تقابل با شخصیت های دیگر، تجرباتی زندگی را به خواننده منتقل می کنند اما در داستان های عاشقانه و پهلوانی یعنی رمانس منثور Prose Romance، همان طور که در منشأش رمانس های پهلوانی یا شهسوارانه Chivalric Romance دیده می شود، شخصیت های ساده یی مطرحند که معمولا عمق ندارند، و پیچیده نیستند و نویسنده در مورد آنان اغراق می کند و آنان را والاتر از آن چه هستند و به طور کلی بالاتر از واقعیت نشان می دهد. در این گونه رمان، قهرمان و نابکار، ارباب و رعیت، بد و خوب به صورت قاطعی از هم جدا می شوند. قهرمان از جنس دیگر مردمان نیست و از بافت واقعی اجتماع جداست. ساختمان پلات بر آرمان ها و خیالات و ماجراهای غیر واقعی مبتنی است. نمونهٔ این رمانس ناول ها Romance Novels را می توان در آثار خیلی عاشقانه نشان می دهد[9].
مراد از این بحث این است که ارزش پلات در همهٔ انواع رمان ها به یک اندازه نیست، در برخی بسیار منسجم و در برخی سست و بی رمق است و برخی از روایات نیز اصلا نمی توان قایل به پلات شد که ما این گونه روایات را قصه (در مقابل داستان) می خوانیم.
جریان رمان نویسی در افغانستان:
رمان در ادبیات دری عمر درازی ندارد و صد سال بیشتر از تولد آن نمی گذرد، در قصه های قدیمی چهار درویش (۱۱۶۳ه ق) و سمک عیار در تاریخ ادبیات وجود دارد که این اساطیری بود، اما رمان نویسی امروز رویدادها را از زندگی واقعی بر می گیرند با عنصر خیال خویش می آمیزد و دوباره باز سازی می کند، یا از چنان رویداد های می گوید که امکان اتفاق افتادن آنها متصور باشد، یا این که ممکن است رمان بازتابی از طبیعت بیجان باشد ولی به هر رنگ، رمان ها تنها برای امن و عیش روزانه ما نیستند بل معرفت باطنی آدمی را بالنده می سازند و آدمی را به تأمل و اندیشه وا می دارند.

[7] انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، نشر میترا، صفحه ۱۶۸
[8] داستان وارهٔ (بروزویه طبیب) را در کلیله و دمنه مه توان از این نوع پنداشت.
[9] انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، نشر میترا، صفحه ۱۸۰

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

رمان نویسی یکی از اصناف نثر فارسی است که در دوره معاصرادبیات دری به اوج رسیده است. البته داستان سرایی در دوره قدیم نیزرایج بود ولی رمان نویسی در نتیجه مدرنیزم از طریق اروپا در ادبیات فارسی جایش یافته است که امروز خیلی زیاد مقبول است. رمان نویسی در ادبیات دری در دوره معاصر بیشتر رواج گرفت که به شیوه نثر شکسته نوشته می شود.
نثر شکسته یا نگارش به شیوه ی محاوره: نثر شکسته آن است که نوشتار در آن به زبان محاوره و گفتگوی معمولی مردم کوچه و بازار نگاشته می شود. و همچنان که کلمات در زبان محاوره عامه مردم مخفف می گردد و نگارش این نوع نثر در دوره معاصر بیشتر در داستان نویسی یا نوشتن موضوعات طنز آمیز به کار می رود[10].
بنیانگذار این نوع از نثر در ادبیات معاصر ایران علی اکبر دهخدا است که برای اولین بار در مقالات فکاهی و انتقادی خود با عنوان چرند و پرند در روزنامه صور اسرافیل از تعبیرات عامیانه و واژه های تخفیف نگاشته شده است. سید محمد علی جمالزاده، صادق هدایت و جلال آل احمد و برخی دیگر از جمله اولین نویسندگان ایرانی هستند که اسلوب محاوره و نثر شکسته را در نثر داستانی فارسی معاصر متداول کردند.
پس از این دستهٔ نویسنده گان ایراني ، گروهی دیگر از نویسندگان افغان آثار خود را به نثر شکسته نوشته اند. در این ضمن نامورترین رمان نویسان افغانستان چون دکتر اکرم عثمان و رهنورد زریاب میباشند که در آثارهای خود کوشیده اند که در قالب روایتی از ماجراهای زندگی ساکنان افغانستان و یکی از شهرهای کابل ، به نقد و ارزیابی وضعیت اجتمایی و سیاسی در افغانستان امروز می پردازند. چند تا نمونه از رمانهای نویسندگان افغانستان آورده ام.
«کوچه ما» مفصل‌ترین رمان از اکرم عثمان:
رمان «کوچه ما» اثری برجسته ترین از اکرم عثمان محسوب می‌شود که این جنین بلندترین رمان از یک داستان نویس افغانی به حساب آورد که تاکنون چنین داستان بلندی از هیچ یک از داستان نویسان افغانستان منتشر نشده است.این رمان تاریخی که در ۲ جلد در سال ۱۳۸۸ خورشیدی توسط انتشارات «عرفان» در تهران منتشر شده است، رمانی است تاریخی که در آن وقایع سیاسی و اجتماعی نیم قرن اخیر افغانستان انعکاس یافته است.
نویسنده در این اثر کوشیده است که در قالب روایتی از ماجراهای زندگی ساکنان یکی از محله‌های کابل، به نقد و ارزیابی وضعیت اجتماعی و سیاسی در افغانستان امروز بپردازد و البته این ارزیابی‌ها در هاله‌ای از روایت پنهان شده است.
« درویش پنجم » بهترین رمان از اعظم رهنورد زریاب:
رهنورد زریاب بیشتر از صد داستان کوتاه و چند تا رمان نوشته است که شماری از این داستان‌ها در مجموعه‌های چون آوازی از میان قرن‌ها، مرد کوهستان، دوستی از شهر دور، نقش‌ها و پندارها چاپ شده است. ترجمه ها و مقالات زریاب در کتاب‌های چون پیراهن‌ها، حاشیه‌ها و گنگ خوابدیده منتشر شده است.مقالات تحقیقی او درباره صادق هدایت و بزرگ علوی از کارهای مورد توجه ایرانیان است،اعظم رهنورد زریاب با چاپ و انتشار بیش از صد داستان کوتاه و رُمان‌هایی مانند «گلنار و آیینه»، «شورشی که آدمیزادگان و جانورکان بر پا کرده اند»، «چارگرد قلا گشتم»، و اثر تازه وی بنام «درویش پنجم» ابعاد داستان نویسی را در افغانستان گسترش داده است.
زریاب زبان و روایت خودش را دارد. با این همه داستان های او در این چند دهه از آن جمله داستان هایی بودند که هیچگاه فراموش نشدند و هنوز هم مجموعه های داستانی او خوانده می شود و تازگی خود را دارد. زریاب در داستان نویسی افغانستان بدون شک نام ماندگاری است و این به خاطر صحنه پردازی های خوب، شخصیت های ماندگار، زبان شیوا و محکم، روایت و توصیف های قشنگ او است،اعظم رهنورد زریاب با چاپ و انتشار همه داستان و رمان ها به هرحال ابعاد داستان نویسی را در ادبیات دری گسترش داده است. آدمها و شخصیت های تازه و گوناگونی را به جهان داستان عرضه کرده است.
«درویش پنجم» رمان تازه ای است که در کابل رونمایی و وارد بازار شد، این کتاب در ۲۰۷ برگ از سوی نشر زریاب به چاپ رسید. رهنورد زریاب می‌گوید: دولت‌مردانی که قدرت دولتی را به دست دارند، هیچ توجهی به فرهنگ کشور ندارند و هیچ ارزشی به فرهنگ کشور قابل نیستند. یگانه ناشر رمان درویش پنجم، این رمان را متفاوت و شگفتی‌انگیزی می‌داند که در تضاد با اوضاع سیاسی در کشوراست و نظام سرمایه‌داری در آن انتقاد شده است.
زریاب و ریالیزم جادویی
این نویسنده در اوایل فعالیت ادبی اش، داستان هایی با مایه های ریالیزم می نویسد، ریالیزمی که جوهر اساسی آن تنگدستی و بینوایی است. تنگدستی درونی و تنگدستی بیرونی، ریالیزم پیشرفته و معاصر و آکنده از رویا و تخیل است. زریاب این خدمت را به عهده می گیرد که چشم و گوش خواننده را باز کند تا کسانی را که در زندگانی با آن ها سروکار دارند، بهتر ببینند و بشناسند و با حقایق زندگی و محیط پیرامون شان آشنا گردند.
زریاب در ده سال گذشته به سرعت هنر نو و به ویژه رئالیسم جادویی را مطرح کرده است. «گلنار و آیینه»، «چارگرد قلا گشتم»، «شورشی که آدمیزادگان و جانورکان برپا کردند»، «درویش پنجم»، «کاکه شش پر ودخترشاه پریان» و برخی داستان‌های دیگرش مانند «مارهای زیر درختان سنجد» از جمله آثار وی محسوب می‌شوند که در قالب سبک ریالیزم جادویی نگارش یافته است،نویسنده در این آثار تلاش کرده تا نوعی تازگی در روایت داستان را که با افسانه‌ها و اساطیر به هم آمیخته است، به نمایش بگذارد،رهنورد زریاب در آثارش در بند واقع نمایی نیست، در دنیای افسانه‌ای او وقوع حوادث شگفت آور و دور از ذهن و آمیزش تاریخ و فلسفه، امری بدیهی به شمار می‌آید.

[10] صفحه ۲۲،۲۳ گذری بر ادبیات فارسی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو،۲۰۱۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نتیجه گیری:

منظور از نوشتن این مقاله آشنا کردن از تاریخچه رمان نویسی و انواع آن و برجسته ترین رمان نویسان افغانستان و شیوه نگارش آنان و اوضاع اجتماعی، سیاسی و کلتوری افغانستان است که **نمونه آن در صفحه آینده دیده می شود.**

دکتر اکرم عثمان در نوشته های خود تصویر از روند اجتماعی را با درنظر داشت، عرف عادات ،رسوم و سنن آمیخته است که از نظر جامعه شناسی ارزشمند است و در توضیح و تشریح صحنه ها، بحثها و گفتگوها نه تنها زیبا هنرمندانه و دارای اثرات عاطفی و اندیشمندانه است بلکه با استفاده از اشعار، ضرب المثلها و زبان عامیانه به زیبایی آن افزوده است. کوچه ما ، بیانی از تاریخ سیاسی چندین ساله افغانستان است که سیاستها و سیاستمداران را به قضاوت می کشد و چهره واقعی آنها را به نمایش میگزارد، روشنفکرانی که صادقانه می خواستند خدمتگار مردم و جامعه باشند و به خاطر افکار شان، اشعارشان و یا مبارزات عدالتخواهی و دیگر آرمان های انسانی از طرف حاکمان و قدرتمندان دولتی به زندان و یا قتلگاه ها بر سر بازار داده شدند، کوچه ما یاد آنان را گرامی داشته و از مبارزات آنها قدردانی می کند.

اکرم عثمان چند توضیح مختصری در نوشته های خود مینویسد، در بیان عنصر مکانی مانند زندانها، مکان شخصی، میادین جنگ، روستا ها، شهرها، کوچه ها و پس کوچه ها تا حد توان به اقتضای جغرافیای حاکم بر موقعیت از عنصر تخیل و بعضا قرینه سازی نزدیک به واقعیت کار گرفته و تحت این امور حالات اجتماعی مردم را بیان کرده است، بامطالعه یی آثار ارزشمند اکرم عثمان می توان نوشت که نویسنده در این آثارخود کوشیده است که در قالب روایتی از ماجراهای زندگی ساکنان یکی از محله های کابل به نقد و ارزیابی وضعیت اجتماعی و سیاسی در افغانستان امروز می پردازد .

و همچنین رهنورد زریاب با پنجاه سال کارنامه نویسندهگی، از بزرگـترین نویسندهگان افغانستان، به ویژه در عرصهٔ داستان‌های کوتاه است و از آثار او می توان به «آوازی از میان قرن‌ها»، «دوستی از شهر دور»، «مرد کوهستان»، «نقش‌ها و پندارها»، «گلنار و آیینه»، «حاشیه‌ها»، «گنگ خواب دیده»، «مجموعه داستان پیراهن‌ها»، «شمع شبستان»، «اختر مسخره»، «زیبای زیر خاک‌خفته»، «قلندرنامه»، «چارگرد قلا گشتم،» پای زیب طلا یافتم» به عنوان بخشی از اثرهای استاد زریاب اشاره کرد.

همچنین کتاب «درویش پنجم» رمان تازه ای است که در کابل رونمایی و وارد بازار شد، این کتاب در ۲۰۷ برگ از سوی نشر زریاب به چاپ رسید. رهنورد زریاب می‌گوید: دولت‌مردانی که قدرت دولتی را به دست دارند، هیچ توجهی به فرهنگ کشور ندارند و هیچ ارزشی به فرهنگ کشور قابل نیستند. یگانه ناشر رمان درویش پنجم، این رمان را متفاوت و شگفتی‌انگیزی می‌داند که در تضاد با اوضاع سیاسی در کشوراست و نظام سرمایه‌داری در آن انتقاد شده است.

منابع

- احمد علی کهزاد، تاریخ افغانستان، جلد اول و دوم، انجمن تاریخ ۱۳۲۵.
- حبیب اسد الله، ادبیات معاصر افغانستان، کابل،۱۳٦۳.
- حبیبی، عبد الحی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل، ۱۳٦۳.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

- خاکستر، دکتر: دکتر اکرم عثمان و بازی ظریف اپراتیفی در تهران، سایت پیام نهضت.
- سنگ، دکتر صبورالله سیاه: گفت و شنود تلفونی دستگیر پنجشیری و سیاه سنگ، ساعت هفت شام روز ۲۸ اپریل ۲۰۰۸.
- ره نورد زریاب، گفت وگو، برف و نقش های روی دیوار.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ویراست چهارم، نشر میترا، تهران، ۱۳۹۳.
- شمیسا، سیروس ،سبک سناسی نثر، دانشگاه پیام نو،تهران.
- نیکوبخت، ناصر و چهرقانی،رضا،شعر پایداری افغانستان، نشریه علمی و پژوهشی ادبیات پایداری، شماره ۲، ص۳۴۱
- شجاعی، اسحق ، میراث شهرزاد، ناشر ابراحیم شریعتی، چاپ اول، تهران.
- عثمان، دکتر اکرم: احمد شاه مسعود مردی بر چکاد افتخارات، سایت فردا تاریخ معاصر افغانستان.
- عثمان، دکتر اکرم: "پاسخی به سپهسالار عظیمی!"، سایت افغان ـ جرمن آنلاین.
- عثمان، دکتر اکرم: پاسخی به دکتر خاکستر، سایت افغان ـ جرمن آنلاین.
- عثمان، دکتر اکرم: احمد شاه مسعود مردی بر چکاد افتخارات، سایت فردا تاریخ معاصر افغانستان.
- محمدی، محمد حسین، فرهنگ داستان نویسی افغانستان، نشر شهاب ثاقب، چاپ اول، تهران ۱۳۸۵.
- محمدی، محمد حسین، ادبیات معاصر افغانستان، سایت بنیاد مطالعات ایران، ایران نامه، ۲۰۰۲.
- جعفر یاحقی، دکتر محمد: جویبار لحظه ها ، ادبیات معاصر فارسی نظم و نثر،چاپ چهارم ، ۱۳۹۱.
- مجله ادب، بخش ادبیات، دانشگاه کابل، ۱۳۳٦.
- ناظمی، لطیف، ادبیات معاصر فارسی دری در افغانستان، کابل.
- سایت آریایی، اکرم عثمانwww.ariaye.com

- http://www.afghanasamai.com/Dscutions-poleticalcullture/Hamkaran/Dr.Akram-Osman/Dr.Akram-Osman/Archiv-Kabulnath.htm

Abstract

The subject of this article is to accumulate the complete information of Novel writing and its kind and plot and to introduce the contemporary Novel writers of Afghanistan with special reference to Dr. Akram Osman and Azam Rahnaward Zaryab.

In this article, I have tried to discuss Akram Osman's and Azam Rahnaward Zaryab's writings and their impact on contemporary literature of Afghanistan and its society.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ